



# انسجام واژگانی در قرآن

بررسی سوره نور\*

مرجان مرآت

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی

## چکیده:

این مقاله بررسی و کنکاش مختصری در کلام از منظر زبان‌شناسی متن‌بنیاد است که با تکیه بر اصول سخن‌کاوی، نقش انسجام واژگانی در سوره مبارکه نور را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. انسجام واژگانی به تحقق واژگان در متن از طریق تکرار و هم‌آیی می‌پردازد. این نوشتار شواهدی از چگونگی ایفای نقش انسجام واژگانی در متنیت قرآن را بیان می‌دارد، و سپس با بررسی نحوه عملکرد این روابط انسجامی، داده‌های حاصل از الگوی پیشین را با استفاده از الگوی آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. میزان بسامد، تکرار و هم‌آیی واژگان سوره مذکور محاسبه می‌گردد و به استناد آن، ساختار موضوعی سوره نور مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در پاسخ به این پرسش که «آیا انسجام واژگانی می‌تواند مسئله انسجام موضوعی یا پیوستگی آیات را توضیح دهد؟» این نتیجه حاصل می‌شود که تغییر در الگوی انسجام واژگانی قادر به تبیین پیوستگی و ارتباط آیات سوره نور نیست.

## کلید واژه‌ها:

قرآن / متنیت / انسجام واژگانی / تکرار / هم‌آیی / ساختار موضوعی

## طرح مسئله

به دلیل عدم توجه به سبک مخصوص قرآن کریم و عدم شناخت صحیح آن، عده‌ای قرآن را کتابی سنگین و وراء فهم و درک انسان عادی می‌دانند که احدی حق اندیشیدن و تدبر در قرآن را به منظور درک معانی و مفاهیم آن ندارد و در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که قرآن کتاب سطحی و ساده‌ای است که افراد معمولی به آسانی قادر به فهم و درک آن می‌باشند. این دو دیدگاه افراطی و تفریطی که ناشی از جهل نسبت به معارف قرآن کریم می‌باشد، نتایج و آثار زیانباری چون محجوریت قرآن و بسته شدن راه تحقیق و تدبر در آن را در پی داشته است.

با توجه به سبک ویژه و منحصر به فرد قرآن کریم، همگان، چه مردم عادی و یا اندیشمندان و متفکران، نسبت به میزان شناخت و ظرفیت علمی خود قادر به فهم و درک درجاتی از مفاهیم قرآن مجید هستند. به این معنا که قرآن یک سلسله معانی ابتدایی دارد که از ظاهر آن استنباط می‌شود و برای افراد عادی و عامی قابل فهم و گویاست و در پس این معانی سطحی، مفاهیم بی‌پایان و عمیق دیگری نهفته است که درک و فهم آن مستلزم تعمق و تدبر و تحقیق است.

افراد برای درک صحیح معانی و فهم دقیق موضوعات قرآنی باید بتوانند هنگام خواندن متون قرآن کریم، ضمن برقراری ارتباط بین قسمت‌های مختلف یک متن و ایجاد زنجیره‌های واژگانی در ذهن خود، شبکه‌ای از این روابط واژگانی و زنجیره‌ها را خلق کنند. این روابط معنایی که امکاناتی برای پیوستن اجزای متن به یکدیگر و در واقع فصل ممیز متن از غیر متن می‌باشند، همان انسجام متن می‌باشد. کشف، بررسی و تجزیه این روابط معنایی در گرو رهایی از مطالعات سنتی و جمله‌بنیاد بوده و موجب می‌نماید که از زاویه دید وسیع‌تری به متون قرآنی نظر شود.

بیشتر بررسی‌ها و مطالعاتی که تاکنون درباره قرآن کریم انجام گرفته، بر واقعیات پراکنده همانند حرف، کلمه، جمله و عبارت متمرکز بوده است. اما امروزه دانشمندان علوم قرآنی و زبان‌شناسان اثبات نموده‌اند که دستیابی به معانی و مفاهیم دقیق قرآن مجید مستلزم توجه به نظام ارتباطی کل قرآن و کشف تمام روابط داخلی که متن قرآن را تشکیل می‌دهند، می‌باشد (ارگون، ۳۲/). یکی از این رویکردهای نوین

زبان‌شناسی که می‌تواند در درک بهتر کلام وحی ما را یاریگر باشد، تحلیل کلام است.

تحلیل کلام به شاخه‌ای از زبان‌شناسی اطلاق می‌شود که هدف آن، توصیف واحدهای زبانی مرتبط و معنادار فراتر از سطح جمله است. این تحلیل، مطالعه فرآیند پویای شکل‌گیری ارزش پیامی عناصر زبانی در موقعیت‌های مختلف و تحت شرایط اجتماعی متفاوت است. استابز حوزه عمل تحلیل کلام را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل کلام می‌کوشد تا نظام و آرایش فراجمله‌ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد.» (استابز، ۵۶)

یکی از مباحث تحلیل کلام، تحلیل متن است. متن به هر پاره زبانی اعم از گفتاری یا نوشتاری گفته می‌شود که یک واحد را تشکیل می‌دهد. متن واحدی از زبان است، اما واحدی دستوری نیست. برای نمایش متن، از واحدهایی نظیر جمله یا بند استفاده می‌شود و جمله‌ها متن را فعلیت می‌بخشند.

در تشکیل متن، علاوه بر روابط ساختاری میان اجزای درون جمله و بند، شماری روابط معنایی فراجمله‌ای نیز قابل درک است که از طریق عوامل انسجام نظیر ارجاع، جانمایی، حذف و واژگانی نمود صوری پیدا می‌کنند. مفهوم انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط بین معانی در یک متن می‌پردازد. انسجام زمانی به کار می‌رود که درک و مفهوم بعضی عناصر متنی وابسته به دیگری باشند و می‌توان یکی را پیش‌فرض دیگری قرار داد.

### مطالعه متن بنیاد و فراجمله‌ای قرآن

قرآن کتابی است که بافت و تاروپودش بی‌نظیر و منحصر است و در تمامی حروف و کلمات آیات و سوره‌هایش، و در ساخت و قالب و نظم موزونش، و نیز در ترکیب‌ها و نظم منظومش، از همه معجزات پیشی گرفته است. این‌گونه است که دستیابی به معارف و معانی قرآن مستلزم شناخت و احاطه به همه این جنبه‌ها و سطوح می‌باشد. عدم بررسی آنها در واقع خود نوعی مانع در کشف معارف ارزشمندترین کتاب آسمانی است.

برای درک و فهم صحیح معانی دقیق قرآن شایسته نیست که تنها به عناصر تشکیل دهنده آن چون حروف، کلمات و آیات توجه نمود، بلکه باید تمرکز اصلی را به کلیت متن قرآن و ارتباطهایی که بین این عناصر در سراسر قرآن مشهود است، معطوف نمود. منابع عظیمی از این معانی در این ارتباطها نهفته است. در این بررسی‌ها به جای تمرکز بر واقعیات پراکنده، باید به نظام ارتباطی درونی قرآن پرداخته شود و به گفته ارگون، معنای قرآن را باید در سطح این روابط جستجو نمود، نه در واحدهایی که به شکلی مصنوعی از متن جدا شده است. (ارگون، ۳۲/)

این شیوه جدید بررسی زبان ریشه در آراء و نظریات سوسور دارد. در روش‌های سنتی بررسی زبان، معمولاً مطالعه از واحدها شروع و با افزودن آنها به یکدیگر و بدون توجه به ارتباط خاص میان آنها، نظام زبان بنا نهاده می‌شد. اما سوسور با تمیز صورت زبان از جوهر آن، اثبات نمود زبان تنها نظامی از ارزش‌هاست و نه جوهر با ماده صوتی، و نتیجه‌گیری نمود که کار بررسی و توصیف زبان لزوماً باید از کل نظام زبان شروع شده و از راه تجزیه منظم، عناصر آن مشخص گردد.

لویی یلمزلف، زبان‌شناس مکتب کپنهاک در کتاب «درآمدی بر نظریه‌ای درباره زبان»، بر پایه نظریه سوسور، به توصیف ساخت زبان به شیوه‌ای خاص بر پایه روابط منطقی و اصول جبری همانند نظریه معروف گلوسماتیک پرداخت. یلمزلف پیشنهادی ارائه می‌دهد که شیوه‌ای استقرایی دارد و در توصیف زبان از روشی قیاسی با حرکت از کل به جزء بهره گرفته است. او نظام زبان را به عنوان یک طبقه کلی و به صورت نظامی به هم بافته در نظر می‌گیرد که تمامی متن‌های زبانی را شامل می‌شود.

به گفته ارگون، مشکوة‌الدینی نتایج به دست آمده در مورد قرآن کریم تا به امروز را امیدبخش توصیف کرده است (همان، ۳۱/). سبک اختصاصی قرآن که انسجام ارتباطی منظمی بین اجزای عناصر سازنده آن وجود دارد، یکی از جنبه‌های تفسیر قرآن و اعجاز آن است. اسرار می‌گوید که در عین نثر ساده قرآن و بیان

مطالب ساده در آن، به قدری دارای انسجام و استحکام الفاظ و معانی و نیز حفظ ارتباط و اعتدال است که نظیری برای آن متصور نیست. (اسرار، ۷۶/)

عناصر و اجزای قرآن به‌ویژه آیات آن به تنهایی و جدا از سایر عناصر، دارای مفاهیم و ارزش‌های مهمی بوده که ساده و قابل فهم هستند. اما این عناصر و آیات در صورت ترکیب با یکدیگر و پی بردن به ارتباط موجود بین آنها، گنجینه و سطوحی از مفاهیم و معانی بی‌پایان دیگری را به دنبال دارند، به نحوی که با تغییر نحوه ترکیب، معانی دیگری علاوه بر معانی پیشین از آنها متجلی می‌شود.

### بررسی یک نمونه: سوره نور

عکس آنچه در گفتار رخ می‌دهد و در آن شرکت‌کننده‌های یک رابطه کلامی با بهره‌گیری از کنش‌های کلامی و غیرکلامی رویدادها، وقایع غیرکلامی و غیرمشخص اما مؤثر در امر ارتباط و مشخصه‌های محیطی و بافتی بالفعل، به مکالمه و تبادل پیام‌های زبانی می‌پردازند، در متون نوشتاری، بافت موقعیت بالفعل و در مقابل خواننده وجود ندارد و بنابراین خواننده مجبور است با استنتاج از متن، به خلق بافت موقعیت پرداخته و به پیام و مضمون مورد نظر نویسنده متن دست یابد. اساس این استنتاج، روابط دستوری، واژگانی و منطقی است که بین عناصر مختلف متن برقرارند و از آنها به انسجام متن تعبیر می‌گردد. خواننده و یا تحلیلگر متن به کمک همین روابط، قادر است به معنا و مفهومی که نویسنده از نگارش متن در ذهن خود داشته است، برسد.

در این بخش برآنم تا با کاربرد این نوع ارتباط‌های واژگانی برگرفته از عوامل انسجام واژگانی، که بین قسمت‌های مختلف سوره نور می‌تواند وجود داشته باشد، نقش عنصر انسجام واژگانی را در کشف معنایی عمیق و بی‌پایان قرآن مجید مورد ارزیابی قرار دهم. البته این ارتباط بین عناصر و در نتیجه معانی برخاسته از این ارتباط‌ها نامحدود بوده و حد و مرز مشخصی ندارد. مواردی که بیان می‌شوند، آنهایی هستند که به ذهن نگارنده که دارای آشنایی مختصری با زبان عربی و

معارف قرآنی می‌باشد، رسیده است. جهت به حداقل ممکن رساندن این نقیصه از «تفسیر نمونه» مکارم شیرازی و «تفسیر آسان» بهرام‌پور بهره برده شده است. بر مبنای یک تقسیم‌بندی از انسجام واژگانی، دو نوع کلی تکرار و هم‌آیی مورد استفاده می‌باشد. هر دو این تقسیم‌بندی را می‌توان با بسامد وقوع آنها در تک آیات با یکدیگر مقایسه نمود که به تقسیم بندی موضوعی سوره مورد بررسی کمک شایانی می‌کند.

در ابتدا به عامل تکرار می‌پردازم که بسامد وقوع بیشتری داشته است. یافتن واژه‌های تکراری با هر نرم‌افزار واژه‌پردازی امری ساده و سریع است. در جدول زیر، واژه‌هایی که به شکل عینی یا ریشه‌ای در سوره نور تکرار شده‌اند، مرتب شده است. مرتب سازی بر اساس بسامد تکرار آنها در کل سوره صورت گرفته است.

واژه‌های تکرار شده در سوره نور و بسامد آنها

بسامد	شماره آیات										واژه
۷۸	۲۰(۲)-۱۹-۱۸(۲)-۱۷-۱۵-۱۴-۱۳-۱۰(۲)-۹-۸-۷-۶-۵-۲(۲) ۳۵(۴)-۳۳(۳)-۳۲(۲)-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۵(۲)-۲۲(۳)-۲۱(۳) ۴۷-۴۶-۴۵(۳)-۴۴-۴۳-۴۲-۴۱(۲)-۴۰-۳۹(۲)-۳۸(۲)-۳۷-۳۶ ۶۱(۲)-۶۰-۵۹(۲)-۵۸(۲)-۵۵-۵۴-۵۳(۲)-۵۲(۲)-۵۱-۵۰-۴۸ ۶۴-۶۳-۶۲(۴)										الله
۲۶		۳۱	۲۷	۲۳	۲۱	۱۹ (۲)	۱۱	۶	۵	۴	الذین
		۶۳ (۲)	۶۲ (۳)	۵۹	۵۸ (۳)	۵۷	۵۵ (۲)	۳۹	۳۴	۳۳ (۲)	
۲۶					۵۱	۴۷	۳۰	۱۷	۳	۲	المؤمنین
							۶۲ (۲)	۳۱	۲۳	۱۲	المؤمنون
								۳۱	۲۳	۱۲	المؤمنات
			۶۲	۵۸	۵۵ (۲)	۴۷	۲۷	۲۱	۱۹	۲	ءامنو



بسامد	شماره آیات								واژه			
								۵۸	۵۳	۳۳	ایمان	
۲۴								۵۳	۲۸	۲۴	۱۹	تعلمون
								۳۳	۲۵	۲۴	۱۹	یعلمون
										۴۱	۱۵	علم
	۶۴	۶۰	۵۹	۵۸	۴۱	۳۵	۳۲	۲۸	۲۱	۱۸	علیم	
								۶۴	۶۳	۲۹	۱۹	یعلم
۱۴							۶۱ (۱۰)	۳۶	۲۹	۲۷ (۲)	بیوت	
۱۱		۶۳	۶۲ (۲)	۵۶	۵۴ (۲)	۵۲	۵۱	۵۰	۴۸	۴۷	رسول	
۱۱						۶۲	۳۳	۲۲	۲۰	۵	رحیم	
					۵۶	۲۴	۲۱	۲۰	۱۴	۱۰	رحمه	
۱۰							۶۱	۵۹	۵۸	۱۸	یبین	
								۵۴	۲۵	۱۲	مبین	
								۴۶	۳۶	۱	مبینات	
۱۰									۴۷	۲۶	یقولون	
				۵۳	۵۱ (۲)	۳۱	۳۰	۲۸	۱۶	۱۵	قل	
۱۰								۱۳ (۲)	۶	۴	شهداء	
									۶	۴	شهاده	
									۸	۶	شهدت	
									۲۴	۸	تشهد	
۹		۶۲	۵۵	۵۲	۵۱	۵۰	۴۷	۲۶	۱۳	۴	اولئک	
۸								۴۹	۱۳	۴	یأتوا	

بسامد	شماره آیات										واژه
								۵۶	۳۷ (۲)	۳۳ (۲)	ءاتوا
۸					۶۲ (۲)	۳۳	۲۶	۲۳	۲۲ (۲)	۵	غفور
۸			۳۸	۳۳	۳۲	۲۲	۲۱	۲۰	۱۴	۱۰	فضل
۸								۴۰ (۲)	۳۵ (۵)	۱	نور
۸							۵۳	۵۲	۵۱	۴۷	اطعنا اطيعوا
									۵۶ (۳)	۵۴	
۸							۶۲ (۲)	۵۹	۵۸	۲۸	يستذنوا استذنوا
								۶۲	۵۹	۳۶	
۷						۵۷	۳۹ (۳)	۳۸	۱۵	۱۱	حساب
۷					۴۶	۴۵	۴۳ (۲)	۳۸	۳۵	۲۱	يشاء
۷				۶۱	۵۹	۵۸	۴۶	۳۴	۱۸	۱	الايات
۶					۶۳	۲۳	۱۹	۱۴	۱۱	۲	عذاب
۵						۶۳	۶۲	۵۳	۲۱	۱۱	امر
۵								۶۳ (۲)	۶۲	۵۸ (۲)	بعض
۵								۶۰	۳۳	۳۲	نكاحاً ينكح
										۳ (۲)	
۵						۶۱	۵۸	۴۲	۳۳	۳۱	ملكت
۵						۲۳	۱۶	۱۵	۱۴	۱۱	عظيم





بسامد	شماره آیات								واژه	
۵					۶۴	۵۵	۴۵	۳۹	۳۵	شیء
۵						۵۸ (۲)	۵۶	۴۱	۳۷	الصلوه
۵					۶۰	۳۳	۲۷	۱۲	۱۱	خیر
۵						۴۶	۴۳	۳۴	۱ (۲)	انزلنا
۵					۶۴	۵۷	۴۲	۴۱	۳۵	الارض
۵					۶۴	۴۳	۴۲	۴۱	۳۵	السموات
۵							۵۱	۶۰	۲۱	سمیع سمعتوا
							۱۶	۱۲	۱۲	
۵					۴۵	۱۳	۸	۶	۴	اربع
۵					۶۴	۵۵	۳۸	۳۹	۲۴	عملوا
۵					۴۶	۴۳	۳۸	۳۵	۲۱	من یشاء
۴								۳ (۲)	۲ (۲)	الزانی
۴								۳ (۳)	۲	الزانیه
۴							۶۱ (۲)	۱۲	۶	انفس
۴								۴	۲	اجلد
								۴	۲	جلده
۴						۲۳	۱۹	۱۴	۲	الآخر
۴						۳۳	۲۳	۱۹	۱۴	الدنیا
۴						۶۱	۵۹	۵۸	۱۸	یبین الله لکم الآیات و

بسامد	شماره آیات										واژه	
												الله علیم حکیم
۴								۳۵ (۲)	۳۴	۱۷		مثل
۴							۵۹	۵۸	۱۸	۱۰		حکیم
۴							۶۱	۶۰	۵۸	۲۹		جناح
۴							۲۸	۲۱	۶	۲		احد
۴										۲۶ (۴)		طبیات
۴										۲۶ (۴)		خبیثات
۴							۳۷	۳۶	۲۷	۱		تذکرون
۴							۶۴	۳۷	۲۵	۲۴		یوم
۴									۶۰	۳۱ (۳)		زیتهن
۴								۴۱ (۲)	۳۶	۱۶		سبح

اعداد درون پرانتز در کنار شماره آیات بیانگر این است که در آن آیه خاص چند بار یک واژه تکرار شده است.

با دقت به ستون بسامد، یعنی دفعات تکرار یک واژه، روشن می‌گردد که مد به ترتیب بسامدهای ۲، ۳، ۴ و ۵ می‌باشد و بقیه بسامدها، یعنی بین ۷ تا ۷۸ دارای مد کمتری هستند و حتی در بسامدهای بالاتر مانند ۷۸، ۲۴ و یا ۱۴، فقط یک واژه چنین بسامدی را دارد. خلاصه اینکه هر چه به سطوح پایین‌تر نزدیک می‌شویم، یکسانی بسامدهای واژه‌ها مشهود می‌گردد. واضح است که هر چه بسامد یک واژه



در آیه‌های سوره بیشتر باشد، انتظار می‌رود که نقش بیشتری در تبیین معانی سوره ایفا کند.

### انسجام واژگانی و ساختار موضوعی سوره نور

آیات سوره مبارکه نور به سه موضوع: الف) آیات تشریحی (درباره حریم خانه و خانواده)؛ ب) آیات تکوینی (درباره نور و ظلمات و غیره)؛ و ج) مردم‌شناسی، می‌پردازد که در ۵ گروه از آیات، با استناد به آمار به دست آمده از میزان بسامدهای عوامل انسجام واژگانی تکرار و هم‌آیی، بررسی و پرداخته می‌شوند.

#### ۱. آیات ۱ تا ۳۴: حریم خانواده

این بخش که کمی بیش از نصف سوره را در بر می‌گیرد، با آیه نخست: ﴿سورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ آغاز شده و با آیه ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ اتمام می‌یابد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در آغاز و ختم این بخش، از «نزول آیات بینات» سخن به میان می‌آید. تکرار «انزلنا»، «آیات» و «بینات» و نیز هم‌آیی «انزلنا» و «آیات» و همچنین «آیات» و «بینات» شایسته دقت و توجه است. علاوه بر این، در اواسط این بخش نیز مجدداً از «تبیین» سخن می‌گوید: ﴿وَيَبِّينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾.

جالب توجه است که جمله «یبین الله لکم الآیات و الله علیم حکیم» چهار بار به میزان ۰/۶۴٪ تکرار گشته است. این «آیات بینات» که جنبه تشریحی دارند، در خلال ۳۴ آیه این بخش تبیین می‌گردد تا مؤمنین متذکر گردند و تقوا پیشه کنند. این آیات تشریحی شامل هفده بند اصلی به قرار زیر می‌باشد که البته فروع و نتیجه‌گیری‌هایی بر آنها ممکن و محتمل است:

۱/۱. حد تازیانه برای زن و مرد زناکار: به استناد هشت بار تکرار «الزانی» و «الزانیه» به میزان ۰/۶۴٪ و همچنین تکرار «اجلد» و «جلده» به میزان ۰/۶۴٪.

- ۲/۱. حضور مؤمنین در صحنه اجرای حکم و مشاهده آن: کاربرد واژه «یشهد» با میزان بسامد تکرار ۱/۶٪ و «المؤمنین» با میزان ۴/۰۹٪.
- ۳/۱. زن و مرد زناکار جز با مانند خود ازدواج نکنند: با توجه به میزان ۰/۶۴ درصدی «الزانی» و «الزانیه» و میزان ۰/۸ درصدی «ینکح».
- ۴/۱. حد شلاق برای کسانی که به زنان پاکدامن بدون آنکه چهار شاهد داشته باشند، بهتان بزنند: تکرار واژه «شهاده» و ریشه‌های آن به میزان ۱/۶٪، و با دقت به تکرار ۰/۳۲٪، «افک» و هم‌آیی آن با «ظن» به میزان ۰/۴۱٪ و کاربرد «اربع» به میزان تکرار ۰/۸٪.
- ۵/۱. نپذیرفتن شهادت این دروغگویان: تضاد معنایی «الصادقین» و «الکاذبین» که با ۴ مرتبه تکرار، بیشترین تکرار را در میان واژه‌های متضاد دارند.
- ۶/۱. اجرای حدود تعزیرات برای مؤمنین مضر نبوده، بلکه مفید است: تضاد و هم‌آیی «خیر» و «شر».
- ۷/۱. مردان و زنان مؤمن وظیفه دارند در برخورد با تهمت‌ها و شایعات، به یکدیگر حسن ظن داشته باشند: با توجه به میزان تکرار ۰/۸٪ «خیر» و هم‌آیی «افک» و «ظن» و همچنین استفاده از «المؤمنون» و «المؤمنات» با میزان بالای ۴/۰۹٪.
- ۸/۱. و در ادامه اینکه چنین تهمت‌هایی را با چهار شاهد که برای آن آورده می‌شود، دروغ تلقی کنند. باز به میزان تکرار «شهاده»، «الکاذبون» و «اربع» دقت کنید.
- ۹/۱. مؤمنین نباید از گام‌های شیطان پیروی کنند که شیطان همواره انسان را به فحشا و منکر فرمان می‌دهد. خداوند آن را که بخواهد تزکیه می‌کند: واژه «ءامنو» که به همراه واژه‌های هم‌ریشه از میزان تکرار ۴/۰۹ درصدی برخوردار است؛ ۲ بار تکرار لفظ «الشیطان»؛ هم‌آیی «فحشاء» و «منکر»؛ و نیز هم‌آیی «فضل» و «رحمه» که دارای میزان ۳/۷۲٪ هستند.
- ۱۰/۱. اشاره به شهادت جوارح انسان به کردار ناشایست او در روز جزا و عذاب بزرگی که در انتظار آنهاست: دقت کنید به هم‌آیی «الستهم، ایدیهم، و ارجلهم» که از یک طبقه معنایی هستند؛ هم‌آیی «الدنیا» و «الآخره» به میزان ۱/۲۴٪ و میزان ۲/۴۸ درصدی هم‌آیی «عذاب» با «عظیم».



۱۱/۱. مقایسه زنان و مردان ناپاک و پاکیزه: با میزان ۰/۶۴٪ تکرار «الخبیثات» و «الطبیبات»، با در نظر گرفتن ریشه‌های آن، و هم‌آیی ۰/۸۳٪ برای هر یک. تضاد معنایی این دو واضح است.

۱۲/۱. امر شده است که مؤمنین حق ندارند در غیر خانه‌های خود بدون آشنایی و سلام وارد شوند.

۱۳/۱. اگر کسی در خانه نبود، تا اجازه نگیرند وارد نشوند و اگر اجازه نیافتند، باید برگردند.

۱۴/۱. گناهی برای ورود بی‌اجازه در اماکن عمومی نمی‌باشد. برای سه مورد اخیر، تکرار و هم‌آیی واژه‌هایی مستند می‌باشند که عبارت‌اند از: میزان ۲/۲ درصدی تکرار «بیوت» و هم‌آیی آن با «تدخلوا» (با تکرار به میزان ۰/۶۴٪)، «اهلها» و «مسکونه»؛ ۸ مرتبه تکرار «یستئذنوا» و «استئذنوا» به میزان ۱/۲۸٪.

۱۵/۱. مردان مؤمن باید چشم خود را فرو پوشند و عورت خود را حفظ کنند.

۱۶/۱. زنان مؤمنه باید همانند مردان در مورد قبلی عمل کنند و علاوه بر آن، زینت خود را جز بر محارم دوازده‌گانه‌ای که مستثنا شده‌اند، آشکار نسازند. در مورد انسجام واژگانی فرامین ۱۵ و ۱۶ این‌گونه استناد می‌شود: هم‌آیی واژه‌های «آباء، ابناء، اخوان، اخوات، بعوله»، «ابصار، فروج، عورت، یحفظوا» و «الرجال، الطفل» با توجه به اینکه برخی دارای بسامد تکرار بیش از ۲ هستند.

۱۷/۱. مسلمانان باید در جامعه خویش زنان بی‌همسر و برده و کنیزان شایسته را، هرچند فقیر و مستمند باشند، به نکاح درآوردند: به کارگیری واژه «ینکح» با میزان تکرار ۰/۸٪ و تضاد معنایی «فقراء» و «اغنیاء».

در آیات این بخش که حداقل ۱۷ حکم تشریحی از آن استخراج شد، نکاتی ظریف و دقیق وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. در متن این احکام و در مقاطع مختلف آن، قرآن ۳ بار مسلمانان سست‌عنصر را مورد انتقاد قرار می‌دهد و ۳ بار فضل و رحمت خدا را بر آنها، به‌رغم این بی‌توجهی‌ها، خاطر نشان می‌سازد. نکته قابل توجه اینکه تمامی این موارد که در یک مجموعه ۷ آیه‌ای قرار دارند، با جمله «و لولا» شروع می‌شوند:

آیه ۱۰: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ﴾  
 آیه ۱۴: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

آیه ۲۰: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْؤْفٌ رَحِيمٌ﴾  
 آیه ۱۲: ﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾  
 آیه ۱۳: ﴿لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾

آیه ۱۶: ﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾  
 باید توجه داشت مطالبی که بعد از عبارت «و لولا فضل الله عليكم و رحمه» در سه آیه نخست آمده است، در رابطه با انتقاد وارد شده به مسلمانان و سه آیه بعدی می باشد.

نکته دوم اینکه در این بخش از تقسیم بندی سوره نور، ۵ بار کلمه «عذاب» در آیات ۲، ۱۱، ۱۴، ۱۹ و ۲۳ در رابطه با انحرافات اخلاقی مسلمانان آمده است که ۳ بار آن با صفت «عظیم» و یک بار با «الیم» همراه شده است.  
 نکته دیگر اینکه واژه «زکی» و «تزکیه» ۴ بار در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است که در رابطه با سیاق آیات جالب توجه می باشد.

## ۲. آیات ۳۵ تا ۴۶: آیات تکوینی

دومین بخش سوره نور که به دنبال آیات تشریحی درباره حریم خانه و خانواده قرار گرفته است، از آیات تکوینی سخن می گوید. در یک نگاه سطحی به نظر می رسد این مجموعه از آیات مستقل از آیات قبل و بی ارتباط با آن باشد. ولی واقعیت این است که هر دو بخش از یک حقیقت سخن می گویند. با این تفاوت که بخش نخست از آیات تشریحی و بخش دوم از آیات تکوینی برای اثبات موضوعی واحد بیان شده اند. همان طور که پیش از این گفته شد، در ابتدا و انتهای بخش نخست از نزول آیات یاد می شود (آیات ۱ و ۳۴) و سیاق آیات بخش فوق الذکر نشان داد که منظور از آیات، آیات تشریحی هستند. اینک در بخش دوم



ملاحظه می‌کنیم که ۱۲ آیه آن درست در میان دو آیه‌ای (۳۴ و ۴۶) قرار گرفته‌اند که باز هم از نزول آیات مبین سخن می‌گوید:

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (۳۴)  
 ﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ (۴۶).

در اینجا چنین نمود یافته است که منظور آیات تکوینی باشد. در آیه ۴۶ به لفظ «الیکم» توجه شود که حذف گردیده و به عقیده آقای مکارم شیرازی، شمول و عمومیت آیات را نشان می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۳۷۴/۱۴)

مهم‌ترین آیات این بخش همان ۴ آیه ۳۵ تا ۳۸ مربوط به «نور» می‌باشد که با تمثیلی بسیار زیبا و لطیف، خداوند را نور آسمان‌ها و زمین نامیده است. شایان ذکر است که با میزان ۵/۵٪، آیه ۳۵ منسجم‌ترین آیه این سوره است:

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ تُوِّرُّ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (۳۵)

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (۳۶)  
 ﴿رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (۳۷)

﴿لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (۳۸)  
 از میان ۸ بار تکرار کلمه «نور»، ۵ بار آن در آیه ۳۵ رخ داده است. هم‌آیی آن با واژه‌های «نور، نار، کوكب، مصباح، زجاجه» به میزان ۲/۰۷٪ در ردیف نهم موارد هم‌آیی، تأکید دیگری بر این تمثیل است. آن‌چنان‌که همه اشیاء عالم از طریق نور بروز و ظهور یافته و در معرض مشاهده و رؤیت قرار گرفته‌اند. ظهور اجزاء آسمان‌ها و زمین و همه موجودات عالم، که در حقیقت همان وجود آنها در صحنه هستی و حیات آنها می‌باشد، به مشیت الهی انجام یافته است. همچنان‌که در فقدان نور و در دل ظلمات هیچ چیز تجلی و تظاهر نمی‌کند. اگر مشیت الهی بر خلق عالم تعلق نمی‌گرفت، هیچ چیز حیات نمی‌یافت.

در این ۴ آیه دوبار به تمثیلی بودن تشبیه خداوند به نور آسمان‌ها و زمین اشاره می‌کند تا کسی گمان نبرد که واقعاً خدا از جنس نور است. هم‌آیی دو لغت «مثل» و «یضرب» به همراه این تمثیل، این ادعا را اثبات می‌کند. با آیه ۳۶ و ۳۷ این تمثیل کامل می‌شود و نشان می‌دهد منظور از نوری که در خانه‌های چنین مردانی می‌تابد، همان نور هدایت و ایمان است. کاربرد دوباره «بیوت» از جمله واژه‌های با بسامد بالا و هم‌آیی الفاظی چون «الصلوه» و «الزکوه» و تکرار واژه‌های هم‌خانواده «تقلب» و «القلوب» (جایگاه مجازی ایمان)، سندی برای درست بودن این موضوع است. در ضمن این دو آیه، این مجموعه از آیات را به آیات بخش اول پیوند می‌دهد و اجرای آیات تشریحی در مورد حریم خانه و خانواده را مشروط به جذب نور هدایت در چنین خانه‌هایی می‌نماید.

در دو مثال دیگر که به دنبال آیات نور می‌آید، به نتیجه عملکرد کافران (ناسپاسان نسبت به نور) می‌پردازد. در اولی حاصل تلاش‌های دنیایی آنها را به سراب که محصول تابش نور به صحراست، تشبیه می‌نماید که جلوه‌ای از آب است، ولی واقعیت ندارد. هم‌آیی سه کلمه «الظمئان، ماء و سراب» قابل توجه است. این نوعی گمراهی است که شخص به گمان خودش آن را هدایت تصور می‌کند:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (۳۹)

و در دومی موضع و موقعیت آنها را با تاریکی‌های دریایی ژرف که امواج بلند و متعدد با ابر تیره آنها را فرا گرفته، مقایسه می‌کند. در اینجا شمول معنایی «بحر» و «موج» از زیرمجموعه‌های تکرار واژگانی مورد توجه و قابل استناد است. و نتیجه این تمثیل را در عالم واقعیت چنین بیان می‌دارد که: «و من لم يجعل الله له نوراً فما له من نور»؛ کسی را که خدا برای او نوری قرار نداده، نوری برای او نیست: ﴿أَوْ كظلماتٍ في بحر لئجٍ يغشاه موجٌ من فوقه موجٌ من فوقه سحابٌ ظلماتٌ بعضها فوق بعضٍ إذا أخرج يده لم يكد يراها ومن لم يجعل الله له نوراً فما له من نور﴾ (۴۰)



تفاوت این نوع گمراهی با گمراهی قبلی در شدت آن و تصور شخص گمراه از عمل خود می‌باشد. در اولی اوهام و تصورات باطل، حق جلوه نموده و در دومی، شخص گمراه، غرق گمراهی‌های خویش گشته است.

پس از بیان آیات نور و تاریکی (۶ آیه)، اندیشه را مستوجه آیات تکوینی دیگری در طبیعت می‌نماید. در ۶ آیه بعد نشانه‌های دیگری ارائه می‌شود:

۱- تسبیح عمومی موجودات عالم و آگاهی آنها به صلاة و تسبیح خود و آگاهی دقیق خدا از اعمال آنها. از این آیه چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که چون همه موجودات عالم تسبیح‌گوی پروردگار هستند و به صلاة و تسبیح خود علم و آگاهی دارند، پس ملک آسمان‌ها و زمین از آن خداست و کمال همه پدیده‌ها به سوی اوست:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ (۴۱)  
 ﴿وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ (۴۲)

برهان این تفسیر بر مبنای عوامل انسجام وازگانی را می‌توان در هم‌آیی برخی از اجزای طبیعت مانند «السموات» ۳ بار، «الارض» ۲ بار و «سحاب، الودق، جبال» هر کدام یک بار، جستجو کرد. دلیل دیگر، تکرار ۰/۸ درصدی کلمه «ملکت» و ۰/۶۴ درصدی «یسبح» است.

۲- نقش باد به عنوان عامل تحرک و ترکیب ابر، که همه این مراحل و مقررات برای نزول بارانی است که به صورت مایع یا جامد به زمین نازل می‌شود. به هم‌آیی پنج واژه «سحابا، الودق، السماء، ینزل و برق» دقت کنید:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ (۴۳)

آن‌گاه از آیه چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که در تداوم و تقلب شب و روز که موجب پیدایش اختلاف درجه حرارت و در نتیجه ایجاد جریان باد و به تبع آن باران می‌شود، آیاتی برای اهل بصیرت می‌باشد. چنانچه در انتهای آیه ۴۳

می‌فرماید: روشنی برق چنان بتابد که روشنی دیده‌ها را از بین ببرد. در آیه بعد با اشاره مجدد به ابصار چنین می‌گوید که چنین دیده‌ای باید عبرت بگیرد و بصیرت پیدا کند: ﴿يَقْلَبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (۴۴)

در آیات این بخش «البصر» با ۴ مورد تکرار، دارای میزان بسامد ۰/۶۴٪ است.  
۳- در آخرین آیه این بخش به خلقت عمومی موجودات پرداخته شده است. پس از جریان یافتن بادهای و تشکیل ابر و ریزش باران که در آیات قبل تشریح گردید، این مقدمات موجب پیدایش آب بر سطح زمین و رشد و نمو گیاهان و خلقت انواع جانوران می‌گردد که در رشد تکاملی خود از خزندگان تا دوپایان و چهارپایان تنوع یافته‌اند:

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۴۵)

موارد انسجام واژگانی در این آیه عبارت‌اند از: ۲ بار تکرار «خلق»، هم‌آیی واژه‌های «بطن، رجلین، اربع» و ۳ بار تکرار «یمشی» برای هر یک از این سه دسته از جانوران. نتیجه‌ای که از چنین آیه‌ای گرفته شده است، قدرت و مشیت خداوند بر خلقت است، به استناد هم‌آیی لفظ جلاله با «قدیر».

به این ترتیب در آیات اخیر که در این بخش توضیح داده شد، بر سه اصل علم و ملک خدا، تدبیر خدا و خلقت و قدرت وی اشاره شده است. نکته جالب اینکه در پایان این بخش همانند بخش پیشین، بر روشن بودن این آیات (تکوینی) تأکید می‌کند؛ همان‌گونه که در ابتدای بخش نخست در آیه ۳۴ بر این امر تأکید نمود.

### ۳. آیات ۴۷ تا ۵۷: مردم‌شناسی

در این بخش بدون اینکه کلمه «نفاق» را به کار برده باشد، از خصوصیتی این چنین در میان مسلمانان یاد می‌کند؛ کسانی که ادعای ایمان به خدا و رسول و اطاعت از رهبری می‌کنند، در حالی که در عمل پایبند حرف خود نیستند و حاضر نمی‌شوند به حکم رسول خدا اگر خلاف امیال و هواهای آنها باشد، گردن نهند، اما اگر مطمئن باشند حق به طرف آنها بوده و رسول به نفعشان حکم خواهد کرد،



سرسپرده خواهند شد. قرآن این دسته از مردم را که مرضی در دلشان ریشه دوانده یا شک دارند و یا می‌ترسند خدا حق آنها را پایمال کند، «ظالم» به نفس خود و دیگران نامیده است:

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ (۴۸)

﴿وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ﴾ (۴۹)

﴿أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ (۵۰)

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۵۱)

﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (۵۲)

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَأَتَقَسِمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۵۳)

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (۵۴)

مواردی از عوامل انسجام و ازگانگی در آیات مورد بحث عبارت‌اند از: کاربرد «اطعنا» و ریشه‌های آن به میزان ۱/۲۸، «رسول» به میزان ۱/۷۳، «اولئک» به میزان ۱/۴۴، سه‌بار تکرار «الحق» به میزان ۰/۴۸، دوبار تکرار «بینهم»، «حمل»، «فریق»، «دعوا»، «یتولی» و «یحکم» هر یک به میزان ۰/۳۲. همچنین به هم‌آیی «قلوب» و «مرض» و نیز قرابت معنایی «المفلحون» و «الفائزون» دقت کنید.

گویا تشریح ویژگی‌های چنین گروهی در میان مسلمانان، به‌خصوص پس از بیان حریم خانه و خانواده و آیات عظیم‌الشان نور، که تابش هدایتی آن را در بیوتی معرفی کرده که در آن نام خدا ذکر می‌شود (آیه ۳۶)، به خاطر بیان آثار فقدان نور در برخی خانواده‌های مسلمانان است که ضایعات تربیتی آن چنین عوارض سوئی در شکل اجتماعی به بار می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۴/۳۷۶). به این ترتیب این بخش با دو بخش پیشین مربوط بوده، یک حقیقت را بیان می‌کند. در سری آیات

فوق، ۸ بار مشتقات واژه «اطاعت» به کار رفته است که از این جهت در قرآن بی نظیر یا کم نظیر است.

پس از ذکر سست‌ایمانی این دسته از مؤمنین، نشانه‌های معکوسی در جهت مثبت از مؤمنین واقعی ارائه می‌شود و پس از آن، مجدداً به مصادیقی از عملکرد سوء منافقین به هنگام بسیج و خروج برای مأموریت جنگی می‌پردازند، که در عین نافرمانی و عصیان، قسم‌هایی هم برای اثبات مراتب اطاعت و فرمانبری خود می‌خورند. ۲ بار تکرار «اقسموا» و کاربرد واژه «ایمان» که ۳ بار در این سوره تکرار شده است، و اینکه به همراه مشتقات آن ۴/۰۹٪ کل میزان تکرارها را دربر می‌گیرند، قابل ذکر است. استفاده از واژه «تعلمون» که با ریشه‌های خود از میزان تکرار ۳/۸٪ برخوردار است، به انسجام این آیات کمک می‌کند. ذکر «قل» با میزان تکرار ۱/۶٪ و «امر» با میزان ۰/۸٪ خالی از لطف نیست: ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجْنَ قُلْ لَأَتَقَسِمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (۵۳).

به‌رغم این شیوه‌های منافقانه، از آنجایی که انسان مختار و آزاد است و هر کس بار عمل خود را (چه خوب و چه بد) به دوش می‌کشد، خداوند سرنوشتشان را به دست خودشان می‌سپارد و اعلام می‌دارد رسول وظیفه‌ای جز ابلاغ آشکار ندارد (اکراه و اجباری در کار نیست): ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (۵۴).

سه آیه بعد خطاب به مؤمنین واقعی است و پیروزی و رستگاری نهایی آنها را مشروط بر آنکه ناخالصی شرک و کفران نعمت از صراط مستقیم دورشان نکند، رقم می‌زند. گویا بیان این پیش‌بینی به دنبال تشریح عملکرد منافقین و رویگردانی و پشت کردن آنها به حقایق قرآنی، نوعی دلگرمی و تقویت روحیه باشد که مطمئن گردند سرانجام حق پیروز می‌شود و آنها جانشین کافرین در زمین شده، امکان دینداری می‌یابند و ترسشان به امنیت تبدیل خواهد شد: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (۵۵).



«الذین» در این آیه ۲ بار تکرار گشته است که در مجموع خود دارای میزان تکرار ۴/۰۹٪ بوده و بعد لفظ جلاله در رتبه دوم قرار دارد. کاربرد این لغت در توصیف مؤمنین، ضمیری ضروری به نظر می‌رسد. در این مورد استفاده از ضمیر «اولئک» قابل توجه است. «یستخلف» ۲ بار تکرار شده است. به قرابت معنایی «یشرکون» و «کفر» و نیز تضاد معنایی «خوف» و «امنا» دقت کنید.

دو شرط عدم شرک و عدم کفران جنبه سلبی و نفی و نهی داشته، از جهت مثبت و در جنبه ایجابی هم مسلمانان وظیفه دارند پایبند سه وظیفه صلاة، زکوة و اطاعت از رسول باشند و اگر چنین شدند، یعنی از شرک و کفر دوری کردند و به صلوة و زکوة و اطاعت از رسول ملزم گشتند، می‌توانند مطمئن باشند کفار هرگز قادر نخواهند بود آنها را به عجز و ناتوانی بکشانند. به این ترتیب این سری آیات با آیه ۵۷ که چنین اطمینانی را القا می‌کند ختم می‌شود:

﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (۵۶)

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْزِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ﴾ (۵۷)

هم‌آیی دو کلمه «صلوة» و «زکوة» در مجموعه آیات مردم‌شناسی ۲ بار تکرار شده است. مرتبه دوم در آیه ۵۶ می‌باشد. «اطاعت» و «رسول» در مجموعه آیات ۴۷ تا ۵۴ توضیح داده شدند. در آیه ۵۷ واژه‌هایی که در انسجام واژگانی آن دخالت دارند. بدین ترتیب‌اند: کاربرد دوباره «الذین»، «حساب» و مشتقات آن به میزان ۱/۱۲٪، تکرار دوباره «کفر»، استفاده از «الارض» با میزان تکرار ۰/۸٪ و لغت «نار» که پیش از این در مجموعه آیات تکوینی و به‌ویژه آیه نور به‌کار رفته بود.

#### ۴. آیات ۵۸ تا ۶۱: حریم خانه

در این بخش بازگشتی به بخش اول سوره صورت می‌گیرد. با این تفاوت که در این قسمت بیشتر احکام درباره «خانه» صادر می‌شود تا «خانواده»؛ گرچه هر دو موضوع به یک هدف منتهی می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ

عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾﴾

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾﴾

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾﴾

در ضمن این ۴ آیه پنج سال بعد از ۳۴ آیه بخش نخست، یعنی در سال ۱۰ هجری نازل شده است که تکمیل کننده آیات حریم خانواده می باشد. در این ۴ آیه، چهار حکم به شرح ذیل صادر می شود:

۱- اشخاص نامحرمی که (به عنوان کنیز یا غلام) در خانه هستند، و یا اطفال نابالغ، حتماً باید در سه وقت مشخص (طلوع آفتاب، ظهر و شب هنگام) برای ورود به اتاق سرپرست خانواده (پدر یا مادر) اجازه بگیرند؛ با توجه به ۸ مرتبه تکرار «یستئذنوا» و «استئذنوا» به میزان ۱/۲۸٪ و هم آیی «الفجر، الظهره و العشاء».

۲- اطفال بالغ باید همچون دیگران اجازه بگیرند: هم آیی «بلغ» و «الاطفال» و کاربرد دوباره «الحلم» همانند آیه قبل.

۳- بر زنان بازنشسته (یائسه) که دیگر امیدی به ازدواج ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را بردارند، مشروط بر آنکه قصد خودنمایی و زینت آرایشی نداشته باشند؛ البته اگر تمایل به عفت داشته باشند، به نفع خود ایشان است. هم آیی واژه های «النساء» و «نکاحا» و سه واژه «یضعن»، «ثیابهن» و «زینه» قابل توجه و دقت است. صفات لفظ جلاله یعنی «سمیع» و «علیم» با میزان بسامدهای بالا، تأکیدی بر خیر زنان در حفظ عفت خود هستند.

۴- غذا خوردن فردی یا دسته‌جمعی افراد علیل یا سالم در خانه‌های خود و خانه‌های اقوام و دوستان و غیره (که محدوده آن در آیه مشخص شده) اشکالی ندارد. پس هنگام داخل شدن در خانه‌ها باید بر اهل آن سلام کرد. میزان ۲/۲ در صدی تکرار «بیوت» و هم‌آیی «آباء، ابناء، اخوان، اخوات، امهات، اعمام، عمات، احوال و خالات» و «دخلم» با «تحیه» اهمیت وافر دارد. هم‌آیی «الاعمی، الاعرج، المریض» نیز شایان ذکر است. ۲ بار واژه «تأکلوا» تکرار شده است.

در آیات چهارگانه فوق چند نکته مهم جلب توجه می‌کند. نخست اینکه عبارت «یبین الله لکم الآیات و الله علیم حکیم» ۴ بار در سوره نور تکرار گشته است که ۳ بار آن در چهار آیه مورد بحث واقع شده است، که اهمیت این آیات تشریحی را که خداوند برای هدایت خانواده‌ها «تبیین» فرموده، نشان می‌دهد. دوم اینکه در آیه ۶۱ که آخرین آیه این بخش و نیز آخرین آیه مربوط به مسائل خانه و خانواده در سوره نور می‌باشد، ۱۰ بار واژه «بیوت» تکرار شده است، گویا به قول بازرگان، همان‌طور که عدد ۱۰ تمام محسوب می‌شود، در این آیه با ذکر جزئیات، ضوابط و مقررات خانه و خانواده تمام شده و خداوند نعمت هدایت را به اتمام رسانده است.

همچنین آیه ۶۱ قابل مقایسه با آیه ۳۱ می‌باشد که هر دو آیه طولانی‌ترین آیات این سوره بوده و به‌طور کاملاً مشخصی از بقیه آیات بلندتر می‌باشد. هر دو آیه طبقاتی از خویشان را ذکر می‌کند که آشکار کردن زینت برای آنها یا غذا خوردن در خانه‌های آنها مانعی ندارد.

#### ۵. آیات ۶۲ تا ۶۴: جمع‌بندی

سه آیه آخر سوره به نظر می‌رسد مطالب آن را جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌نماید. در آیه نخست مؤمنین واقعی که رشد یافته‌اند، در همان «بیوت» (نور) هستند. با تأکید و انحصار «انما» مراتب ایمانشان را به خدا و رسول معرفی نموده است و اطاعتشان را در مسئولیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ

يَسْتَأْذِنُوكَ أَوْ لِنِكَ الَّذِينَ يَوْمُنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنَ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرُ لَهُمْ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٢﴾.

۵ لغت ابتدایی به جز «انما» از واژه‌هایی هستند که دارای رتبه‌های بالای میزان تکرار و هم‌آیی می‌باشند و پیش از این به تفصیل به آنها پرداخته شد. هم‌خانواده‌های لغت «اذن» با ۳ بار تکرار، پیوندی انسجامی با آیات قبل برقرار می‌کند.

آیه ۶۳ که آیه دوم این بخش می‌باشد، به سست‌ایمان‌هایی که نافرمانی و مخالفت با رسول خدا می‌کنند، می‌پردازد و سهل‌انگاری و راحت‌طلبی آنها را به باد هشدار و تهدید می‌گیرد و علم خدا را بر شانه خالی کردنشان یادآور می‌شود: ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلْلُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذَأَ فَلْيُخَذِرِ الَّذِينَ يَخَافُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (۶۳).

در این آیه باز به تکرار «رسول» و «الذین» دقت کنید. ۲ بار تکرار «بعض» و «تصیبهم» قابل ذکر است. همچنین «یعلم» با هم‌ریشه‌های خود از میزان تکرار قابل توجه ۳/۸٪ برخوردار است. در آیه بعد نیز چنین کاربردی به چشم می‌خورد. هم‌آیی «عذاب» و «الیم» از مواردی است که پیش از این بدان اشاره شد.

در آخرین آیه این سوره، بر مالکیت خدا بر آسمان‌ها و زمین و علم او بر اعمال انسان‌ها تأکید می‌کند و با یادآوری بازگشت به سوی خدا که روز حساب و جزا محسوب می‌شود، انسان را نسبت به آگاهی دقیق خداوند بر جزئیات اعمال واقف می‌سازد: ﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (۶۴).

هم‌آیی «سماوات» و «الارض» در قرآن کریم به شهرت بسیاری رسیده است که در این سوره ۴ بار تکرار شده‌اند. هم‌آیی «علم» و «عمل» سزاوار دقت و توجه است. عبارت «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» از میزان هم‌آیی ۳/۳۱٪ بهره می‌برد. با توجه به مطالب ذکر شده، متوجه می‌شویم که این چند آیه آخر در مقایسه با آیات بخش‌های قبل، به نسبت بالایی از میزان انسجام بهره برده است. علت این امر می‌تواند تکرار مجدد بیشتر واژه‌های به‌کار رفته در بخش‌های قبل، در جمع‌بندی سوره باشد.





## بحث و نتیجه گیری

با توجه به داده‌های فراهم شده در بخش قبل، حال این پرسش مطرح می‌گردد که آیا انسجام واژگانی این قابلیت را دارد که مسئله انسجام موضوعی یا پیوستگی آیات را مرتفع سازد؟ آنچه ملاک پاسخ به چنین پرسشی می‌باشد، آمار و ارقام عینی به دست آمده از عوامل انسجام واژگانی سوره مورد مطالعه، یعنی سوره مبارکه نور است.

این سوره از ۵ دسته آیات در سه موضوع: الف) آیات تشریحی (درباره حریم خانه و خانواده)؛ ب) آیات تکوینی (درباره نور و ظلمات و غیره)؛ و ج) مردم‌شناسی، تشکیل شده است. برای اثبات وجود این سه‌گانگی موضوعی، در قسمت پیشین به تفصیل سخن رفت. می‌توان لغت «بیوت» را مثال زد که در حیطه آیات تشریحی ۱۳ بار (از ۱۴ بار تکرار در کل سوره) دیده می‌شود. این عدم تکرار لغت فوق در آیات تکوینی و مردم‌شناسی نشان از چندگانگی موضوعی در دسته‌بندی آیات است. و یا واژه کلیدی «نور» از ۸ بار تکرار کلی، ۷ مرتبه در حیطه آیات تکوینی دیده می‌شود که از عوامل طبیعی و آفرینش سخن به میان آورده است. دو واژه «اطعنا» و «رسول» و به‌خصوص ریشه‌هایی از لفظ «ایمان» در محدوده آیات مربوط به دسته سوم، یعنی مردم‌شناسی به چشم می‌آیند که با توجه به مفاهیم این‌گونه کلمات، می‌توان پی به موضوعات ذکر شده در دسته سوم آیات برد. برای تفصیل بیشتر توجه خواننده را به ادامه بحث جلب می‌کنم.

محور اصلی سوره «نور» حریم خانه و خانواده می‌باشد که از زوایا و ابعاد مختلفی به آن پرداخته شده است. این مطلب به طور مستقیم و آشکار در نیمه اول سوره (۳۲ آیه از ۶۴ آیه) و در آیات بلند آخر آن (۵۸ تا ۶۱) تبیین گشته است. به طوری که واژه «بیوت» در این مجموعه به‌طور چشمگیری جلب توجه می‌نماید و تنها در یک آیه (آیه ۶۱) که پایان بخش آیات خانواده در این سوره می‌باشد، ۱۰ بار این واژه تکرار شده است. در مقایسه با دیگر سوره‌ها به نقل از روحانی، در این

سوره کلمه «بیوت» با ۱۴ بار تکرار، از سایر سوره‌های قرآن بیشتر به کار رفته است و از نظر نسبی، ۲۰٪ کل این واژه در قرآن به این سوره اختصاص دارد.

مسئله «خانواده» به عنوان اولین و ساده‌ترین کانون اجتماعی، و «خانه» که پایگاه و محل استقرار این کانون می‌باشد، از جنبه‌های متعددی مورد نگرش این سوره قرار گرفته است؛ از جمله:

یکم: حفظ و حراست از آن در برابر دزدان ناموس و تیرهای مسموم بهتان: با استناد به دو بار تکرار «افک» در آیات ۱۱ و ۱۲، با هم‌آیی «افک» و «ظن» در آیه ۱۲ و هم‌معنایی «افک» و «بهتان» در آیات ۱۲ و ۱۶.

دوم: حجاب و رعایت حد و مرز محارم و پوشاندن چشم و حفظ فروج: هم‌آیی واژه‌های «آباء، ابناء، اخوان، اخوات، بعوله»، «ابصار، فروج، عورت، یحفظوا» و «الرجال، الطفل» با توجه به اینکه برخی دارای بسامد تکرار بیش از ۲ هستند.

سوم: سختگیری در شهادت به زنا برای حفظ حرمت و آبروی مردم و عدم اشاعه فحشا: تکرار واژه «شهاده» و ریشه‌های آن به میزان ۱/۶٪؛ هشت بار تکرار «الزانی» «الزانیه» به میزان ۰/۶۴٪.

چهارم: هشدار جدی و مکرر به مؤمنین برای خوش‌بین بودن به یکدیگر و باور نکردن شایعات بی پایه منافقان: هم‌آیی «شهاده» و ریشه‌های آن با «الصادقین» به عنوان هم‌معنا و با «الکاذبین» و «الکاذبون» در نقش تضاد معنا.

پنجم: موضوع نکاح زنان بی‌شوهر، بندگان و کنیزان، رعایت عفت به هنگام تجرد: ۵ بار تکرار «ینکح» و «نکاحاً» به میزان ۰/۸٪.

ششم: بی‌خبر و بی‌اجازه وارد خانه‌های مردم نشدن: ۸ مرتبه تکرار «یستذنوا» و «استذنوا» به میزان ۱/۲۸٪؛ و باز لغت «بیوت» به میزان ۲/۲٪ و هم‌آیی آن با «تدخلوا» (با تکرار به میزان ۰/۶۴٪)، «اهلها»، «مسکونه» و «آباء، ابناء، اخوان، اخوات، بعوله».

همچنین در چهار آیه‌ای که اواخر سوره می‌آید، به ضوابط و مقررات مربوط به «خانه» که مکان خانواده و پایگاه این هسته اجتماعی می‌باشد، می‌پردازد و دستورالعمل‌هایی در مورد مسائل ذیل صادر می‌نماید:



اجازه گرفتن اطفال و کنیزان برای ورود به اتاق پدر و مادر در سه هنگام مختلف: با توجه به ۸ مرتبه تکرار «یستئذنوا» و «استئذنوا» به میزان ۱/۲۸٪ و هم‌آیی «الفجر، الظهر، العشاء». اجازه گرفتن همه وقت اطفال بالغ برای ورود به اتاق، جواز کشف حجاب مشروط برای زنان بازنشسته (یائسه)، غذا خوردن فردی یا دسته‌جمعی در خانه خود یا خانه‌های خویشان و دوستان، سلام کردن به اهل خانه هنگام ورود به آن و ... .

موضوع ورود به خانه، هم در آیات نیمه اول سوره که مربوط به «خانواده» است مطرح شده، و هم در آیات آخر سوره که مربوط به مقررات «خانه» می‌باشد. با این تفاوت که در قسمت اول ورود به خانه، برای کشف زنا و روابط نامشروع یا سر در آوردن از اسرار شخصی می‌باشد که به خانواده مربوط می‌باشد؛ به استناد هشت بار تکرار «الزانی» «الزانیه» به میزان ۰/۶۴٪. اما در قسمت بعد، موضوع «سلام» کردن به اهل «خانه» مطرح شده که جنبه دیگری دارد: میزان ۲/۲ درصدی تکرار «بیوت» و هم‌آیی «دخلتم» و «تحیه» در آیه ۶۱.

در بخش دیگر سوره نیز که موضوع عوض شده و به آیات تکوینی پرداخته و از «نور» و «مشکوه» و «مصباح» سخن می‌گوید، باز هم به خانه و خانواده برمی‌گردد و «نور» هدایت را در خانه‌هایی سراغ می‌دهد که نام خدا را یاد می‌کنند و صبح و شب او را تسبیح می‌نمایند: ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ (۳۶).

در آیه بعد اضافه می‌نماید، در چنین خانه و خانواده‌هایی مردانی هستند (یا تربیت می‌شوند) که تجارت و بیع، آنها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد و نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از روز قیامت خوف دارند؛ با دقت به هم‌آیی واژه‌های «الصلوة» و «الزكاة» و نیز «تجاره» و «بیع»: ﴿رِجَالٌ لَّا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (۳۷).

باز هم در سومین بخش سوره که به نظر غریبه و بی‌ارتباط با دو بخش فوق (موضوع خانواده و آیات تکوینی) می‌آید، و موضوع «مردم‌شناسی» و نفاق و سست‌ایمانی برخی از مسلمانان مطرح می‌شود، «رجال» دیگری از مسلمانان معرفی

می‌شوند که گویا به دلیل عدم رشد و تربیت خانوادگی و محرومیت از «انوار» هدایت الهی، برعکس رجال مؤمن که فکر و ذکرشان خداست و با تجارت غافل نمی‌شوند، تمام حواسشان به زندگی خود و منافع فردی دنیایی می‌باشد و در حالی که اظهار می‌دارند به خدا و رسول ایمان آورده و مطیع هستند، یکسره پشت می‌کنند و روی می‌گردانند (آیات ۵۰-۴۷): با استناد به هم‌آیی لغات «الله» و «الرسول» و هر دو آنها با ۸ بار تکرار «اطعنا» و ریشه‌های آن؛ و به خاطر وابستگی‌هایشان به دنیا و منافع آن (همان تجارت و بیع) و اشتغال دائمی فکرشان به این موضوع، وقتی هم که برای یک کار اجتماعی، منافقانه و از روی ناچاری و نمایش و ریا، همراه سایر مسلمانان نزد رسول خدا جمع می‌شوند، از هر فرصتی استفاده کرده، مخفیانه و بدون اینکه کسی متوجه باشد، با حالت خزیده فرار می‌کنند و به سوی کار خود می‌روند (آیات ۶۲ و ۶۳).

اگر در بخش آیات تکوینی از رجالی نام می‌برد که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، در این قسمت که از مردان رشد نیافته جامعه مسلمین که رنگ نفاق دارند یاد می‌کند، باز هم دستور نماز و زکات می‌دهد.

آنچه ذکر آن رفت، نشان می‌دهد که دسته‌بندی سه‌گانه آیات به چه شکل و گونه‌ای حاصل شده است. این سه گروه به شکل متوالی پشت سر هم قرار نگرفته‌اند و به نوعی در هم آمیخته شده‌اند. بدین صورت که آیات تشریحی و مردم‌شناسی به دو دسته منفصل از لحاظ مکانی تبدیل شده‌اند که آیات دیگری از دسته‌ای دیگر مابین آنها قرار گرفته و پیوستگی آنها را مختل ساخته است:

۱- آیات تشریحی: آیات ۱ تا ۳۴ (نیمه ابتدایی سوره)، آیات ۵۸ تا ۶۱ (۴ آیه آخر سوره).

۲- آیات تکوینی (در قالب تمثیل و تشبیه): آیات ۳۵ تا ۴۶.

۳- آیات مردم‌شناسی و ایمانی: آیات ۴۷ تا ۵۷، آیات ۶۲ تا ۶۴ (خاتمه و جمع بندی سوره).

تحلیل و بررسی این گسستگی می‌تواند پاسخ پرسش مطرح شده در ابتدای این فصل باشد: آیا انسجام واژگانی، پیوستگی و انسجام آیات را مرتفع می‌سازد؟ در

جدولی که در پیش خواهیم داشت، مجموع بسامدهای تکرار و هم‌آیی واژه‌ها در هر آیه به‌دست آمده است. با محاسبه میزان بسامد هر آیه نسبت به مجموع کل بسامدهای آیات، پربسامدترین آیه‌ها مشخص شده‌اند.

میزان انسجام هر یک از آیات سوره نور

میزان انسجام آیات					
شماره آیات	بسامد هم‌آیی	بسامد تکرار	جمع بسامدها	بسامد نسبی	میزان %
۱	۱	۶	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۲	۵	۱۱	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۳	۰	۵	۵	۰.۰۰۷	۰.۶۶%
۴	۰	۱۲	۱۲	۰.۰۱۶	۱.۵۷%
۵	۲	۶	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۶	۲	۱۱	۱۳	۰.۰۱۸	۱.۸۳%
۷	۱	۴	۵	۰.۰۰۷	۰.۶۶%
۸	۱	۶	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۹	۳	۴	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۱۰	۹	۷	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۱۱	۲	۹	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%
۱۲	۲	۸	۱۰	۰.۰۱۳	۱.۳۱%
۱۳	۱	۷	۸	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۱۴	۷	۷	۱۴	۰.۰۱۸	۱.۸۳%
۱۵	۵	۶	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%
۱۶	۱	۶	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۱۷	۰	۴	۴	۰.۰۰۵	۰.۵۲%
۱۸	۴	۶	۱۰	۰.۰۱۳	۱.۳۱%

میزان انسجام آیات

شماره آیات	بسامد هم‌آیی	بسامد تکرار	جمع بسامدها	بسامد نسبی	میزان %
۱۹	۲	۱۱	۱۳	۰.۰۱۷	۱.۷۰%
۲۰	۸	۵	۱۳	۰.۰۱۷	۱.۷۰%
۲۱	۱۲	۱۸	۳۰	۰.۰۳۹	۳.۹۳%
۲۲	۱۱	۶	۱۷	۰.۰۲۲	۲.۲۳%
۲۳	۴	۱۰	۱۴	۰.۰۱۸	۱.۸۳%
۲۴	۲	۶	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۲۵	۴	۵	۹	۰.۰۱۲	۱.۱۸%
۲۶	۴	۸	۱۲	۰.۰۱۶	۱.۵۷%
۲۷	۲	۷	۹	۰.۰۱۲	۱.۱۸%
۲۸	۲	۹	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%
۲۹	۱	۷	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۳۰	۴	۹	۱۳	۰.۰۱۷	۱.۷۰%
۳۱	۱۰	۶	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۳۲	۶	۶	۱۲	۰.۰۱۶	۱.۵۷%
۳۳	۸	۲۱	۲۹	۰.۰۳۸	۳.۸۰%
۳۴	۱	۴	۵	۰.۰۰۷	۰.۶۶%
۳۵	۲۵	۱۷	۴۲	۰.۰۵۵	۵.۵۰%
۳۶	۰	۶	۶	۰.۰۰۸	۰.۷۹%
۳۷	۵	۱۱	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۳۸	۳	۸	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%
۳۹	۳	۸	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%
۴۰	۲	۸	۱۰	۰.۰۱۳	۱.۳۱%
۴۱	۵	۹	۱۴	۰.۰۱۸	۱.۸۳%

میزان انسجام آیات					
شماره آیات	بسامد هم‌آیی	بسامد تکرار	جمع بسامدها	بسامد نسبی	میزان %
۴۲	۱	۴	۵	۰.۰۰۷	۰.۶۶%
۴۳	۶	۸	۱۴	۰.۰۱۸	۱.۸۳%
۴۴	۲	۳	۵	۰.۰۰۷	۰.۶۶%
۴۵	۲	۶	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۴۶	۳	۷	۱۰	۰.۰۱۳	۱.۳۱%
۴۷	۲	۱۰	۱۲	۰.۰۱۶	۱.۵۷%
۴۸	۲	۵	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۴۹	۰	۱	۱	۰.۰۰۱	۰.۱۳%
۵۰	۲	۶	۹	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۵۱	۳	۱۱	۱۴	۰.۰۱۸	۱.۸۳%
۵۲	۲	۶	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۵۳	۱	۷	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۵۴	۲	۶	۸	۰.۰۱۰	۱.۰۵%
۵۵	۲	۱۴	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۵۶	۱	۶	۷	۰.۰۰۹	۰.۹۲%
۵۷	۰	۴	۴	۰.۰۰۵	۰.۵۲%
۵۸	۵	۲۱	۲۶	۰.۰۳۴	۳.۴۱%
۵۹	۳	۱۳	۱۶	۰.۰۲۱	۲.۱۰%
۶۰	۴	۱۱	۱۵	۰.۰۲۰	۱.۹۷%
۶۱	۶	۱۹	۲۵	۰.۰۳۳	۳.۲۸%
۶۲	۱۰	۱۲	۲۲	۰.۰۲۹	۲.۸۸%
۶۳	۲	۹	۱۱	۰.۰۱۴	۱.۴۴%

داده‌ها به میزان انسجام معمول آیات برمی‌گردد. افزایش میزان انسجام آیه ۳۵ مختص به خود این آیه است که به آیه نور مشهور می‌باشد و دارای بیشترین میزان انسجام واژگانی در سوره مذکور است.

تا انتهای آیه ۵۷ یعنی پایان موضوع مردم‌شناسی، هر سه دسته آیات تشریحی، تکوینی و مردم‌شناسی به همین ترتیب در سوره نور قرار گرفته‌اند. اما آیات ۵۸ تا ۶۱ باز به موضوع خانه و خانواده از موضوعات تشریحی پرداخته و نظم پیشین را به هم می‌زند. در مرز آیات مربوط به این تغییر دور از انتظار، همچنان تغییر معناداری در میزان انسجام آیات و تغییر موضوع دیده نمی‌شود. این تغییر میزان انسجام ۰/۵۲ درصدی آیه ۵۷ به ۳/۴۱ درصدی آیه ۵۸ به این دلیل معنادار نیست که موضوع خانه و خانواده دوباره تکرار شده است و هر تکرار موضوعی، تکرار واژه‌های مربوط به خود را به همراه دارد. دقت کنید که قرآن از لغات محدودی استفاده می‌کند.

این افزایش میزان انسجام آیات، در تکرار دوباره موضوع مردم‌شناسی از آیه ۶۲ تا ۶۴ (پایان سوره) نیز صدق می‌کند. پیش از این در حد فاصل آیات ۴۷ تا ۵۷ به توصیف مردم و مؤمنین پرداخته شده است و اشاره دوباره به آن در سه آیه پایانی سوره، به‌طور طبیعی میزان بالای انسجام واژگانی آنها و به دنبال آن افزایش میزان انسجام آیات را در پی داشته است. در واقع ترتیب سه گروه آیات به نوعی رعایت شده و آنچه باعث به هم ریختگی می‌شود، این است که ۴ آیه مربوط به خانواده در دل آیات مردم‌شناسی جای گرفته است. آیات ۴۶ و ۴۷ مرز میان آیات تکوینی و مردم‌شناسی است. قبل و بعد از این دو آیه تفاوت معناداری در میزان انسجام آیات به چشم نمی‌آید؛ هر چند که موضوع به شکل قابل ملاحظه‌ای از تمثیل‌های آفرینش به توصیف مؤمنین تغییر یافته است.

با استناد به میزان‌های به‌دست آمده از انسجام آیات، چنین اثبات می‌شود که تغییرات انسجام واژگانی نتوانسته است پیوستگی و ارتباط آیات سوره نور را به‌خوبی توجیه کند. وجود این پیوستگی یا عدم آن خارج از مقوله انسجام واژگانی است.



بحث درباره پیوستگی آیات قرآن را می‌توان این‌گونه ادامه داد که معمولاً سوره‌های قرآن به‌خصوص سوره‌های بلند که از چندین دسته یا گروه آیات تشکیل شده‌اند، درباره موضوع ساده و واحدی نبوده و مشتمل بر چندین موضوع به ظاهر متفاوت هستند. و دوم اینکه گروه‌های هم‌موضوع به جای آنکه با یکدیگر ترکیب شده و زیر هم قرار گیرند، بر خلاف نظم متعارف بشری، با مطالب دیگر آمیخته شده‌اند. عجیب اینکه از نظر زمانی نیز ترتیب نزول رعایت نشده است؛ یعنی به‌جای آنکه گروه‌های مقدم جلوتر قرار گیرند، معمولاً بر عکس عمل شده و آیات مدنی پیش از آیات مکی نشسته و آیاتی که بعداً نازل شده‌اند، قبل از آیات سابق قرار گرفته‌اند.

کلانتری در «سلسله مباحث قرآن شناسی»، سوره نور را بر حسب سال نزول، به چهار دسته تقسیم کرده که به تقسیم‌بندی موضوعی فوق کمک بسیاری کرده است:

- ۱- آیات ۱ تا ۳۴: سال نزول ۵ هجری (مدنی)
- ۲- آیات ۳۵ تا ۴۶: سال نزول ۱۰ هجری (مدنی)
- ۳- آیات ۴۷ تا ۵۶: سال نزول ۱۰ بعثت (مکی)
- ۴- آیات ۵۷ تا ۶۴: سال نزول ۱۰ هجری (مدنی). (کلانتری، ۹۳/)

سوره مورد مطالعه با آیات مربوط به حریم خانه و خانواده که بیش از نیمی از کل سوره را تشکیل می‌دهد (و در سال پنج هجرت نازل شده‌اند)، شروع می‌شود. این آیات، تشریحی هستند که با آیه ۳۴ خاتمه می‌یابد. بخش دوم سوره که آیات تکوینی به شمار می‌روند و از نور و ظلمات و تسیح عمومی موجودات و باد و باران و شب و روز و خلقت تکاملی موجودات سخن می‌گوید، به آیه ۶۴ ختم می‌شوند و این مجموعه به عنوان تفصیل و تبیین مجموعه پیشین و نگرش دیگری از زاویه طبیعت، در سال ۱۰ هجرت (۵ سال بعد) نازل شده‌اند. سومین گروه سوره که به آیات مردم‌شناسی تعلق دارد، در سال دهم بعثت در مکه نازل شده و آثار و عوارض سستی و سطحی بودن ایمان را که در ارتباط با تربیت‌های خانوادگی نیز

قرار دارد، نشان می‌دهد. این گروه آیات گرچه مقدم بر سایر آیات سوره نازل شده، اما در نیمه دوم آن قرار گرفته است.

در چهارمین گروه از نظر سال نزول، مجدداً به آیاتی در زمینه خانواده و مردم‌شناسی برخورد می‌کنیم که باز هم ارتباط تربیت خانوادگی را با عملکرد افراد در جامعه نشان می‌دهد. این مجموعه از آیات نیز به طور تفصیلی و به عنوان خلاصه و جمع‌بندی سوره، در سال ۱۰ هجرت یعنی آخرین سال، نازل شده است. در این میان آیات دسته سوم از آیه ۴۷ تا ۵۷ مکی بوده و پیش از هجرت پیامبر نازل شده‌اند. این گروه مربوط به مسائل انسان‌شناسی است که بیشتر حال و هوای مکی دارد تا مدنی.

در مدت زمان جستجو در انتخاب سوره مناسب برای بحث انسجام واژگانی، متوجه شدم که سوره نور تنها سوره‌ای است که مشخصاً در قرآن «سوره» نامیده شده و اولین واژه در اولین آیه آن «سوره» می‌باشد؛ ﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

معنای لغوی «سور» حصار و دایره محدود کننده می‌باشد؛ به همین دلیل دیوار بلند دور شهر را سور می‌نامند و دستبند و حلقه دست را که زینتی دایره شکل است، «سوار» می‌خوانند (ظهیری، ۲۱۵/). به همین ترتیب است که مجموعه مطالب و بیاناتی که درباره یک موضوع بوده و یک حقیقت را از زوایای مختلف بررسی می‌کند، در اصطلاح قرآن «سوره» می‌گویند.

درست است که تقسیمات ۱۱۴ گانه قرآن را سوره می‌نامیم، اما خود قرآن تنها مجموعه آیاتی را که «نور» نامیده شده، به صراحت «سوره» نامیده است (محمود، ۳۸/). شاید این تأکید و تصریح به دلیل هماهنگی و ارتباط واضح و آشکار بخش‌های مختلف سوره نور باشد، و یا علامت و نشانه‌ای که آیات به ظاهر بیگانه و مستقل آن را در رابطه با یک محور و موضوع معنا و تفسیر نماییم.

بارها ذکر شد که دایره اصلی این مجموعه آیات که نام «سوره» به آن تعلق گرفته، موضوع حریم خانه و خانواده می‌باشد. اما محدوده‌های فرعی دیگری که به عنوان سوره‌های کوچک‌تر (یا بخش‌ها و تقسیمات داخلی) آن وجود دارد، در عین



ارتباط محوری با موضوع اصلی سوره، وحدت و استقلال فردی نیز دارند. شناخت این سوره‌های کوچک‌تر که بخش‌های سوره اصلی را تشکیل می‌دهند، از یک طرف به فهم سوره کمک می‌کند، و از طرف دیگر در رابطه با محور اصلی سوره، موقعیت و موضع بخش‌های فرعی، که در ظاهر بریده و بیگانه از بقیه آیات به نظر می‌رسند، تبیین می‌گردد. در سوره نور می‌توان آن سه دسته آیات مورد بررسی را به عنوان سوره‌های کوچک‌تر فرض نمود که انسجام واژگانی قادر به تبیین آنهاست و ارتباط ظریفی نیز با یکدیگر دارند که از مقوله انسجام واژگانی خارج می‌باشد.

تناسب معنوی میان آیات هر سوره یکی از ویژگی‌های قرآن است؛ گرچه یکجا نازل نگشته و به صورت پراکنده با فاصله‌های کم یا زیاد نازل شده باشند. زیرا پراکندگی در نزول آیات که به جهت مناسبت‌های گوناگون بوده است، اقتضا می‌کند که میان هر دسته آیاتی که به مناسبتی نازل گشته، با دسته دیگر که به مناسبت دیگری نازل شده است، رابطه و تناسبی وجود نداشته باشد، و این پراکندگی در نزول بایستی در چهره مجموع آیات سوره نور به خوبی هویدا باشد. در صورتی که با دقت و آفری که دانشمندان عصر اخیر در محتوای سراسر هر سوره انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که هر سوره هدف یا اهداف خاصی را دنبال می‌کند که جامع میان آیات هر سوره است و امروزه به نام «وحدت موضوعی» در هر سوره خوانده می‌شود. همین وحدت موضوعی است که وحدت سیاق سوره را تشکیل می‌دهد و مسئله اعجاز در همین نکته است که پراکندگی نزول، عدم تناسب را اقتضا می‌کند، با آنکه تناسب و وحدت سیاق در هر سوره معمولاً به خوبی مشهود است.

عادت بشری و نظم و ترتیبی که نویسندگان رعایت می‌کنند، چنین است که اجزای هر نوشته به تناسب هر موضوع، زیر هم قرار می‌گیرند و زمان و ضمایر مربوط به آن معمولاً ثابت می‌مانند. خوانندگان نیز برای سهولت فهم مطالب، علاقه‌مندند مطالب و نوشته‌ها حتی المقدور فصل‌بندی شده و در یک روال مشخص ادامه یابد. اما در قرآن برخلاف انتظار، چنین نظمی رعایت نشده است. نه تنها

موضوعات مرتباً تغییر می‌کنند، بلکه مخاطب‌ها، ضمایر و زمان‌ها نیز به کرات جابجا می‌شوند. مثلاً در چند آیه منتهی به آیه ۳۴ سوره نور، از انحرافات مسلمانان صحبت می‌شود که ناگاه آیه ۳۵ به تشبیه ذات جلاله به برخی عوامل طبیعی می‌پردازد.

این سبک ویژه قرآن مجید است که به کلی با شیوه‌های بشری تفاوت دارد، نه اینکه بی‌نظم و ترتیب باشد، بلکه نظم دیگری دارد که باید آن را درک نمود. ما که محکوم در زمان و مکان هستیم، مسائل و موضوعات را جدا از هم و تجزیه شده و مستقل می‌بینیم. به گفته بازرگان، قرآن که کلام نازل شده رب العالمین است، فراتر از مرزهای زمان و مکان سخن گفته و داستان خلقت آدم و سجده ملائک را در کنار مسئله قیامت و معتقدات شرک‌آمیز معاصرین پیامبر مطرح می‌سازد. بنابراین اصراری ندارد همه اجزای مربوط به یک موضوع را در یک سوره زیر هم قرار دهد. (بازرگان، ۴)

پس می‌توان چنین گفت که درباره موضوعی واحد مانند احکام خانواده یا تقوا و ایمان ممکن است چندین «گروه آیات» در یک سوره وجود داشته باشد که هر کدام سال و شأن نزول مستقلی داشته یا اینکه واژه‌هایی خاص و کلماتی کلیدی چندین بار در سوره تکرار شده باشند که بیانگر آن گروه‌ها باشند. نمونه این کلمات در بخش قبل بحث شد.

همه این موارد در عین استقلال، با یکدیگر پیوندی ظریف دارند که شاید نتوان آنها را از هم جدا کرد. همان‌طور که طرح موضوعات و احکام در قرآن نظم ویژه‌ای متناسب با واقعیت‌های جامعه بشری و اصول و استعدادهای آموزشی مخاطبین داشته، به تدریج و گام به گام تثبیت گردیده است، در داخل یک سوره نیز این شیوه رعایت گردیده و سیر تحول موضوعات مطرح شده در آن منظم می‌باشد.

کوتاه اینکه اعجاز کتاب آسمانی قرآن که معجزه جاوید است، ابعاد و وجوه مختلفی دارد که یکی از آنها، پیوستگی، انسجام و استحکام الفاظ و معانی و حفظ ارتباط می‌باشد، به‌گونه‌ای که هیچ سخن ادبی از نظر فصاحت و بلاغت همتای



قرآن نمی‌باشد. مفهوم و منظور سخنی مانند قرآن به‌گونه‌ای که در محاورات و مکالمه وجود دارد، از طریق بافت موقعیت به تنهایی قابل دسترسی نیست، بلکه سرشتی دارد که با مفهوم متن درهم تنیده شده است و در آن، متن به‌وجود آورنده بافت موقعیت است و در تحلیل هر سخن غیر محاوره‌ای، تکیه و تأکید عمده متوجه دو عامل واژگان و دستور می‌باشد.

وجه تمایز متن از غیر متن و ویژگی تداوم و یکپارچگی در متن، زاینده عنصر انسجام می‌باشد؛ بنابراین ملاک تبیین مرز متن از غیر آن و تشخیص آن، همین عامل انسجام است. مخاطب هر متنی به کمک انسجام و به واسطه ربط دادن متن به بافت موقعیت، به معنا و مفهوم هر متنی می‌رسد. این گونه است که مخاطب قادر است تا تفسیری از آن متن برداشت نماید. یکی از عناصری که مخاطب را این‌گونه سوق می‌دهد، انسجام واژگانی است که در سوره نور مورد تحلیل قرار گرفت. در این مقاله با تأکید بر عنصر انسجام واژگانی و نقش آن در سوره نور به عنوان نمونه، کوشش گردید تا اثبات لزوم مطالعه فراجمله‌ای و متن‌بنیاد قرآن حاصل گردد. انواع ارتباط‌های انسجام واژگانی آیات مورد بررسی قرار گرفت تا نقش پراهمیت انسجام واژگانی در فهم و درک و استنباط معانی مورد نظر متون قرآنی تجزیه و تحلیل گردد. واضح و مبرهن است که چنین مطالعاتی می‌تواند بر دیگر سوره‌های قرآن کریم انجام گیرد تا بتواند در تفسیر این کتاب عظیم، به مفسران و دانشمندان علوم قرآنی کمک نماید.

## منابع و مأخذ

۱. ارگون، محمد؛ قرآن را چگونه بخوانیم. ترجمه: دکتر حامد فولادوند، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۲ش.
۲. اسرار، مصطفی؛ دانستنی‌های قرآن، تهران، انتشارات محیا، ۱۳۷۵ش.
۳. بازرگان، عبدالعلی؛ نظم قرآن، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۷۲ش.
۴. بهرام‌پور، ابوالفضل؛ تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۵. ظهیری، عباس؛ تجزیه و ترکیب و بلاغت قرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۶. کلانتری، الیاس؛ سلسله مباحث قرآن‌شناسی، تهران، انتشارات اوج، ۱۳۶۰ش.
۷. محمود، مصطفی؛ اسرار قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۶۰ش.
۸. مشکوة‌الدینی، مهدی؛ سیر زبانشناسی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۳ش.